

انقلاب اسلامی ایران و حزب‌الله لبنان

محمدعلی میرعلی*

چکیده

این نوشتار به دنبال بررسی این سؤال است که انقلاب اسلامی ایران چه نقشی در شکل‌گیری حزب‌الله لبنان داشته است؟ در پاسخ سؤال یاد شده تمامی عوامل و زمینه‌هایی که در شکل‌گیری این حزب مؤثر بوده مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و سرانجام نقش انقلاب اسلامی ایران به عنوان عامل اصلی ارزیابی شده است.

واژگان کلیدی

حزب الله، لبنان، شیعیان، انقلاب اسلامی ایران، رژیم اسرائیل، صهیونیسم.

alimir124@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۸/۱۵

*. استادیار جامعه المصطفی (ع).

تاریخ دریافت: ۹۱/۶/۱۴

مقدمه

لبنان کشوری کوچک، جذاب، پیچیده، متنوع و متفاوت با سایر کشورهای اسلامی است. تنوع قومیت‌ها، مذاهب، احزاب و گروه‌های مختلف سیاسی در این کشور کوچک تازه استقلال یافته، بر پیچیدگی اوضاع آن افزوده است. (دراژدن، ۱۳۵۷: ۱۷۳) این کشور سالیان متمادی جزو قلمرو عثمانی به شمار می‌رفت. پس از جنگ جهانی اول با ترفندی غم‌انگیز و مزورانه در کنفرانس پاریس تحت قیمومیت فرانسه درآمد. این امر تأثیر زیادی بر گروه‌بندی‌های سیاسی - اجتماعی و جریان‌های سیاسی لبنان بر جای گذاشت. در فرایند قیمومیت فرانسه، اقلیت مسیحیان مارونی بر سایر پیروان مذاهب به‌ویژه مسلمانان (شیعه و سنی) حاکمیت پیدا کردند و طی این سال‌ها در سایه تدوین قانون طایفی^۱ امتیازهای فراوانی کسب کردند. ولی در این دوران، حقوق شیعیان که نسبت به سایر اقلیت‌ها در اکثریت بودند توسط گروه حاکم مسیحی پایمال و همه امتیازهای اجتماعی و قوانین به نفع مسیحیان توزیع و تصویب می‌شد. به طور مثال، ریاست دولت و اکثریت وزرا از میان مسیحیان انتخاب و به همین ترتیب سایر امتیازات به نفع آنان توزیع می‌شد.

حاصل این سیستم ناعادلانه این بود که شیعیان با آنکه در اکثریت بودند از طبقات محروم و فقیر جامعه لبنان به شمار می‌آمدند. البته این محرومیت از سال‌ها پیش در زمان خلافت عثمانی و قبل از آن آغاز شده بود. به دلیل فقر و محرومیت مضاعف، بیشتر شیعیان در روستاها و مناطق دوردست و محروم زندگی می‌کردند. این محرومیت و دوری در آموزش‌های علمی و فرهنگی و در نتیجه آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی آنان اثر زیادی گذاشت. این مسئله موجب شد آنان در طبقات اجتماعی پایین‌تری قرار گیرند و فقر و محرومیت آنان روزبه‌روز افزایش پیدا کند. در اثر این محرومیت‌ها، آنان فاقد انسجام و گروه‌بندی اجتماعی و سیاسی نیز

۱. در لبنان حدود ۱۵ طائفه مختلف که هر کدام دارای دین مخصوص خود هستند زندگی می‌کنند و قانون طائفی وجود دارد. به‌موجب قانون طائفی که در سال ۱۹۳۲ تحت نفوذ فرانسه نوشته شده، هر طائفه لبنان دارای امتیازاتی است. طوایف بزرگ لبنان سه طایفه هستند، طایفه مسیحیان، طایفه برادران سنی، طایفه شیعیان. توزیع امتیازات در لبنان براساس نسبت ذیل است: پنج برای مسیحیت، سه برای سنی‌ها، دو برای شیعیان؛ (برای مطالعه بیشتر ر.ک: چمران، ۱۳۶۲: ۴۰ - ۳۶)

بودند. از این رو، برای احقاق حقوق از دست رفته خود جذب گروه‌های انحرافی چپ و راست می‌شدند. آنان به دلیل نداشتن درک و بینش اجتماعی صحیح از حوادث و اتفاقات جاری، در سطوح پایین احزاب به‌ویژه احزاب چپ، ایفای نقش می‌کردند.

رهبری و مدیریت این احزاب در دست گروه‌های دیگر بود و شیعیان اعضای عادی این احزاب به شمار می‌رفتند. آنان به راحتی جان خود را فدای اهداف و منافع نامشروع رهبران احزاب چپ و راست می‌کردند. در این دوران و حتی مدتی پس از آن، مهم‌ترین گروه‌ها و جریان‌های فکری موجود لبنان، گروه‌های موسوم به چپ و راست، یعنی طرفداران شرق یا غرب بودند.

در این دوره گروه‌های اسلامی به‌ویژه شیعی نقش چندانی در تحولات و مسائل اساسی بر عهده نداشتند. گروه‌های سنی‌مذهب هم در این دوران هنوز استقلال و هویت مشخصی نداشتند. بنابراین، در دوران قیومیت تنها گروه‌های سیاسی فعال طیف‌های غرب‌گرای چپ و راست بودند که بیشتر مسیحی بودند و مسلمانان هنوز تشکل و هویت خاص سیاسی نداشتند. این وضعیت تا دهه‌های شصت و هفتاد ادامه داشت تا اینکه عده‌ای از علمای تحصیلکرده نجف به وطن بازگشتند. این دسته از علمای مذهبی به ارشاد و روشنگری مردم در مساجد و اماکن مذهبی پرداختند و مردم را از این وضعیت ناپه‌نچار نجات دادند. در رأس این گروه از علما که فعالیت‌های سیاسی اجتماعی بیشتری داشت و توجه مردم را بیش از دیگران به خود معطوف داشت امام موسی صدر بود. وی علاوه بر فعالیت‌های فرهنگی به تأسیس «حرکت محرومین» پرداخت که نقطه عطفی در انسجام شیعیان و مردم لبنان به شمار می‌رفت.

با ورود علما به‌ویژه امام موسی صدر به لبنان، حرکت‌های اسلامی شیعی به تدریج شکل گرفتند. این حرکت‌ها که ابتدا بیشتر فرهنگی بودند کم‌کم رنگ و بوی سیاسی - اجتماعی به خود گرفتند.

پس از ناپدید شدن امام موسی صدر و پیروزی انقلاب اسلامی ایران و حمله اسرائیل به لبنان، انشعابات در حرکت امل به وجود آمد که به دنبال آن حزب‌الله لبنان شکل گرفت و بدین ترتیب لبنان و به صورت کلی، منطقه خاورمیانه وارد تحولات و عرصه جدید تاریخ خود گردید. در این نوشتار بیشتر به عوامل شکل‌گیری حزب‌الله لبنان می‌پردازیم.

فرآیند شکل‌گیری حزب‌الله

در سال ۱۹۸۲، حوادث و رخداد‌های جدیدی در لبنان زمینه را برای تحولات و پدید آمدن شرایط جدید فراهم کرد که منجر به ظهور حزب‌الله در عرصه سیاسی - اجتماعی گردید. در ادامه به مهم‌ترین این رخدادها اشاره خواهد شد.

۱. تهاجم اسرائیل به لبنان

در سال ۱۹۸۲ م (۱۳۶۱ش) اسرائیل حمله گسترده‌ای را به لبنان آغاز کرد و ضمن محاصره بیروت، قصد ورود به آن را داشت. هدف اعلام شده اسرائیل از این تهاجم، اخراج رزمندگان فلسطین از لبنان بود، اما هدف واقعی آن در این تجاوز نظامی روی کار آوردن یک رئیس‌جمهور مسیحی طرفدار اسرائیل در لبنان و کاستن از قدرت نظامی و سیاسی سوریه در صحنه لبنان بود. سرانجام اسرائیل به مقصود اصلی خود نائل آمد و موفق شد بشیر جمیل را که فردی فتوئدال مارونی و طرفدار صلح با اسرائیل بود بر کرسی ریاست جمهوری لبنان بنشاند. (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۵۳) در همین حال عده‌ای از جوانان شیعه لبنان با سلاح‌های سبک خود مانع ورود اسرائیل به بیروت شدند. شهید احمد جعفر قصیر در ۱۱ نوامبر ۱۹۸۲ (خرداد ۱۳۶۱) اولین عملیات استشهادی را انجام داد. این انفجار، مقر فرماندهی کل ارتش اسرائیل در شهر «صور» را به لرزه در آورد و بخشی از آن را ویران کرد که براساس آمار، بیشترین تعداد تلفات اسرائیل در یک نبرد و در یک روز را شامل می‌شده است.

حزب‌الله زمانی شکل یافت که صهیونیست‌ها و نیروهای چند ملیتی (آمریکا، انگلیس، فرانسه و ایتالیا) بیروت را تحت سیطره خود داشتند و در آن شرایط خفقان، هیچ‌یک از گروه‌های محلی جرأت ابراز وجود نداشتند. حزب‌الله توانست با ایجاد هسته‌های مقاومت و انجام عملیات گسترده علیه صهیونیست‌ها به سرعت در قلوب مردم لبنان جای بگیرد و نفوذ و جایگاه فوق‌العاده‌ای کسب کند. (حجازی، ۱۳۸۵: ۷۶ - ۷۴)

تهران در نیمه خرداد سال ۱۳۶۱ میزبان کنفرانس‌های آزادی‌بخش بود. این گردهمایی به مناسبت نیمه شعبان و با حضور عناصر حزب‌الله از جمله سید محمدحسین فضل‌الله، شیخ راغب حرب و شیخ صبحی طفیلی تشکیل یافته بود. هم‌زمان با این کنفرانس، اسرائیل تهاجم

گسترده‌ای به مناطق لبنان کرد که موجب شد حاضران در کنفرانس تهران خواستار کمک تهران به لبنان شوند. ایران نیز این خواسته را مورد بررسی قرار داد و یک گروه نظامی به سوریه به فرماندهی حاج احمد متوسلیان اعزام کرد که در نهایت به دلیل تعلل دولت سوریه نسبت به اعزام آنان، حضرت امام دستور بازگشت را صادر کرد. در نتیجه، حضور سپاه به تعداد اندکی نیروی آموزش‌دهنده محدود گردید. به هر حال با ورود سپاه به لبنان یک انقلاب فرهنگی شکل گرفت. (رایت، ۱۳۷۲: ۶۴ - ۶۳) با حضور حزب‌الله در این منطقه تحول فرهنگی در آن صورت گرفت و بعلبک مرکز استان بقاع به صورت منطقه‌ای خود مختار برای حزب‌الله در آمد. ساختمان‌های این منطقه پوشیده از پوسته‌های امام خمینی و پرچم‌های ایران بود.

۲. تشکیل شورای حزب‌الله

اعضای این شورا کمیته نه نفره‌ای متشکل از روحانیان شیعه لبنانی، شخصیت‌های وابسته به حزب امل اسلامی، حزب الدعوه لبنان، کمیته‌های یاری انقلاب اسلامی و شخصیت‌های مستقل بودند. این افراد همگی به ولایت فقیه و پیروی از امام خمینی علیه السلام، مقاومت علیه اسرائیل و ناتوانی احزاب و سازمان‌های موجود در پاسخ‌گویی به نیازهای موجود فعلی لبنان اعتقاد داشتند. همچنین معتقد بودند باید با بهره‌گیری از تجارب انقلاب اسلامی ایران در فکر ایجاد تشکیلاتی جدید برای تحقق بخشیدن به تئوری‌های اسلامی و اهداف مورد نظر خود باشند. عوامل مشترک یاد شده سبب شد تا این نیروها تحت نظارت ایران در تشکیلات واحد و جدید ادغام شوند. افراد این کمیته به ریاست سید عباس موسوی خدمت حضرت امام علیه السلام رسیدند و پس از آن، شورایی پنج نفره برای اداره تشکیلات مشخص شد که شورای لبنان نام گرفت.

حزب‌الله لبنان در ماه مه ۱۹۸۴ (اردیبهشت ۱۳۶۳) نام ثابتی را برای تشکیلات خود انتخاب کرد و شعار «حزب‌الله - انقلاب اسلامی در لبنان» را برگزید. در همین حال نیز «دفتر سیاسی» حزب را راه‌اندازی و نشریه هفتگی العهد را منتشر کرد. (فضل الله، ۱۴۱۴ ق: ۳۵) تا آن زمان، فعالیت و مقاومت حزب‌الله آشکار اما بدون نام و در عین حال مخفیانه بود. پناهندگان شیعه که به دلیل جنگ به محله‌ای فقیرنشین و بسیار رقت‌بار جنوب بیروت رانده شده بودند به ندای حزب‌الله پاسخ مثبت دادند.

۳. گسترش حزب‌الله در بیروت و جنوب

حزب‌الله ضربات زیادی را بر پیکر ارتش اسرائیل در بیروت و حومه آن وارد کرد و در نتیجه، ارتش اسرائیل مجبور به عقب‌نشینی شد. بنابراین، حزب‌الله دوتن از روحانیان خود را به نام‌های سید ابراهیم الامین و سید حسن نصرالله به ضاحیه (حومه جنوبی بیروت) که مقر اصلی جنبش امل بود اعزام کرد. (روزنامه النهار، ۶ فوریه ۱۹۸۹) سوابق درخشان حزب‌الله در جنوب که موجب گسترش و توسعه آن شده بود، عامل اصلی مخالفت جنبش امل با حزب‌الله در این منطقه شد. اما ناتوانی امل در رویارویی با چالش نظامی اسرائیل در جنوب لبنان، سبب شد تا گروه‌های نظامی به رهبری روحانیان رادیکال و انقلابی مرتبط با ایران پا به عرصه وجود گذارند و تمایلات جنگ علیه اسرائیل را گسترش دهند. این گروه‌ها همراه با تعدادی از شبکه‌های کوچک مقاومت به رهبری شیخ «راغب حرب» تحت پرچم «تجمع علمای جیل عامل» گرد هم آمدند و به حزب‌الله پیوستند و پایه‌های اولیه گسترش حزب‌الله در جنوب لبنان را پایه‌ریزی کردند. بدین ترتیب، عملیات مقاومتی را که حزب‌الله در جنوب به اجرا می‌گذاشت نه تنها نفوذ جنبش امل را در منطقه تقلیل داد بلکه خطر بزرگی برای نظامیان اسرائیل به وجود آورد. حزب‌الله پس از بعلبک در بیروت و سپس در جنوب حضور پیدا کرد، اما علی‌رغم صدور بیانیه‌ای با امضای حزب‌الله در سال ۱۹۸۴، همچنان این حزب تا اوایل سال ۱۹۸۵ به صورت کاملاً مخفیانه فعالیت می‌کرد. (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۷۲ و ۷۳)

عوامل پیدایش حزب‌الله

با یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان علل و عواملی را که در به وجود آمدن حزب‌الله نقش مهمی ایفا کردند به سه دسته کلی تقسیم کرد.

الف) عوامل زمینه‌ساز

دسته‌ای از عوامل اجتماعی که بیشتر در اثر چالش غرب با مسلمانان در لبنان به وجود آمده بود زمینه ظهور حزب‌الله لبنان را فراهم کرد. در واقع، مردم مسلمان لبنان و رهبران حزب‌الله در واکنش به وجود چنین مسائلی دست به تأسیس این تشکیلات زدند که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره خواهیم کرد.

۱. پدیده تجددگرایی و گرایش‌های لائیک

حزب‌الله لبنان در شرایطی ظهور کرد که کشور کوچک لبنان را هاله‌ای از گرایش‌های مادی از یک‌سو و هجوم و سیطره فرهنگ غربی از سوی دیگر فرا گرفته بود که منشأ و اساس بسیاری از مفاسد سیاسی - اجتماعی و اخلاقی و اسلامی شده بود. از دیگر سو، مردم کشور کوچک لبنان دارای عقاید مذهبی مختلف بودند و پیروان دین مسیح در این کشور کم نبودند. مسیحیان لبنان بیشتر به لحاظ سیاسی و فکری - فرهنگی از غرب جدید تبعیت می‌کردند. از این‌رو، به دلیل قیومیت طولانی فرانسه بر لبنان، فضای سیاسی - اجتماعی و فرهنگی لبنان به نفع مسیحیان و به تبع آن غرب سوق داده شده بود. بنابراین، می‌توان گفت لبنان حال و هوای غرب را به خود گرفته بود که این وضعیت برای مسلمانان به‌ویژه شیعیان دشوار و نگران‌کننده به شمار می‌رفت.

بدنه جامعه شیعیان که بیشتر در روستاها و مناطق محروم زندگی می‌کردند، به دلیل دوری و در نتیجه محرومیت از جامعه رو به تجدد آن زمان لبنان، کمتر دچار آسیب‌های اجتماعی رایج شده بود. ارزش‌های دینی و اخلاقی، هنوز حاکم بود و به همین دلیل شیعه از فضای فرهنگی به وجود آمده بیشتر در شهرها احساس نارضایتی شدید می‌کرد. البته بیان این نکته ضروری است که شیعیان برای رسیدن به آرمان‌های سیاسی خود، به دلیل فقدان اندیشه‌ها و حرکت‌های اسلامی، بیشتر گرفتار ایسم‌ها و اندیشه‌های سیاسی چپ شده بودند. همچنین شیعه در لبنان با رهبری امام موسی صدر در دو دهه ۶۰ و ۷۰ این حقیقت را درک کرده بود که هیچ‌یک از احزاب و گروه‌های ملی و لائیک چپ و راست، حقوق و منافع او را تأمین نخواهند کرد. از این‌رو در جستجوی سرپناهی جدید بود تا مشکلات ناشی از تحولات اجتماعی و اقتصادی وسیع و طاقت‌فرسایی که شیوه زندگی آنها را مورد تهدید قرار داده بود و موجب محرومیت اقتصادی، انزوای اجتماعی، نداشتن مشارکت سیاسی و بی‌عدالتی شده بود را حل و فصل کند. این خودآگاهی و خودباوری، منجر به تشکیل «حرکت محرومین» توسط امام موسی صدر شد. (چمران، ۱۳۶۲: ۱۰۴ - ۵۹)

شرق و غرب، مفاهیم جدیدی از آزادی، مالکیت، ارث، توسعه و ... را در جامعه لبنان مطرح کرده بودند که با آموزه‌های دینی شیعه کاملاً متفاوت بود، لذا رهبران دینی در آغاز به

احیای سنت نبوی پرداختند و دین را به عنوان مرجع حل مشکلات اجتماعی و کشمکش‌های طبقاتی و اختلافات سیاسی - فرهنگی معرفی کردند.

۲. نظام طایفه‌گری و اختلافات مذهبی

وجود نظام طایفه‌گری در لبنان و محرومیت طایفه شیعه از امکانات و درآمدهای جامعه، مشکلات گوناگونی را برای جامعه لبنان، به‌ویژه مناطق شیعه‌نشین پدید آورده بود که فقر، بیکاری، محروم ماندن از خدمات درمانی و آموزشی و نیز زمین و ادوات کشاورزی از جمله آنها بود. در این برنامه تبعیض‌آمیز که از سالیان دراز و تقریباً از دوران خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس آغاز شده بود و در دوره عثمانی نیز ادامه یافت، بسیاری از حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اقلیت شیعه توسط اکثریت سنی حاکم نادیده گرفته می‌شد. در دوران معاصر نیز پس از نفوذ و قیمومیت فرانسه بر این سرزمین، امتیازات موجود این کشور کوچک به نفع مسیحیان مارونی اختصاص داده می‌شد. در نتیجه، حقوق و امتیازات سیاسی و اجتماعی شیعیان تا آن زمان توسط اکثریت سنی و مسیحی پایمال می‌شد. (همان: ۴۱ - ۲۷)

مارتین کرامر در کتاب «بنیادگرایی»، در مورد جایگاه شیعه قبل از پیدایش حزب‌الله

می‌نویسد:

در سال ۱۹۴۶ که لبنان استقلال یافت، شیعیان به صورت «کنیززادگان» تحقیرشده‌ای درآمدند که در کشوری زیر حاکمیت مسیحیان مارونی و مسلمانان سنی و در خدمت به منافع ویژه آنها، روزگار می‌گذراندند. جامعه شیعیان لبنان، در مقایسه با سایر طوایف و جوامع لبنانی، از همان بدو تأسیس این کشور، دچار تنگدستی و حق‌کشی، اعم از عقب‌ماندگی‌های اقتصادی و اجتماعی و حاکمیت رهبران سیاسی فنودال و غیر قابل اطمینان و عدم توجه دولت نسبت به آنها بوده است که این خود معمولاً تنش‌ها و تضاد آنان با حکومت و نیز با دیگر طوایف را پدید آورده است. این تنش و بحران اجتماعی به صورت روزافزون، با سلسله تغییر و تحولات جامعه لبنان، همراه و هم‌زمان شده است. در این شرایط و بعد از دهه شصت، عقاید مذهب تشیع از حالت «بی‌طرفی» و انزوا به وضعیتی با نشاط و فعالیت و «واکنش» تغییر یافت. (میرباقری، ۱۳۸۲: ۴۸)

نظام سیاسی لبنان که تحت حاکمیت مسیحیان مارونی و سنی‌ها اداره می‌شود، به مناطق شیعه‌نشین کمترین توجه را داشت؛ به طوری که بیشتر سرمایه‌ها و درآمدهای کشور در اختیار مسئولان سیاسی کارگزاران حکومتی همچون نمایندگان مجلس، نیروهای ارتشی و احزاب خاص قرار می‌گرفت و نیز بخشی از آن صرف عمران و آبادی مناطق خاصی می‌شد که دربرگیرنده مسیحیان و اهل سنت است و این روند همچنان ادامه دارد.

همان‌گونه که اشاره شد در لبنان نزدیک به پانزده طائفه وجود دارد که هر کدام دین و قانون خاصی دارند که به آن قانون طائفی گفته می‌شود. البته طوایف عمده، سه طایفه مسیحیان، اهل تسنن و شیعه است که هر یک امتیازاتی را به تناسب خاص به خود اختصاص می‌دهند. این نسبت، به این قرار است: پنج برای مسیحیت، سه برای سنی‌ها و دو برای شیعیان. تقسیم امتیازات حتی امتیازات تحصیلی و آموزشی بر اساس این نسبت است. (چمران، ۱۳۶۲: ۳۹ - ۳۶)

حزب‌الله در نامه سرگشاده خود، نظام حاکم بر لبنان را به سبب پایه‌ریزی بر اساس امتیازات طایفه‌گری و همچنین به دلیل هم‌پیمانی با اسرائیل و استعمار فاقد مشروعیت لازم اعلام کرد. (بی‌نا، ۱۳۷۸: ۴۰۲) سپس در نامه سرگشاده با عنوان این سؤال که «چرا با نظام موجود می‌جنگیم؟» ماهیت استکباری و ظالمانه بودن نظام جهانی را علت این کار بیان می‌کند. (همان: ۴۰۰)

حزب‌الله در اعلام مواضع خود در مورد نظام طایفه‌ای، لبنان را مورد ملامت قرار داده و آن را مهم‌ترین عامل رخداد جنگ داخلی لبنان معرفی کرده است. (همان) حزب‌الله در بخش دیگری از نامه سرگشاده خود، عامل اصلی حوادث بحرانی داخلی لبنان را قوانین و امتیازات ناعادلانه طایفه‌گری حاکم بر این کشور معرفی کرده است. (همان: ۴۰۲) به هر حال، عملکرد نظام طایفه‌ای در لبنان که بر ساخته از نظام استعماری مدرنیته است، زمینه مساعدی را برای یک حرکت اصول‌گرا در لبنان پدید آورد. این زمینه‌ها، با توجه به مدل مربوط به چگونگی پیدایش اصول‌گرایی عبارت بودند از: زمینه‌های اقتصادی همچون بی‌عدالتی، فقر، تبعیض، بیکاری و ...، زمینه‌های مذهبی از جمله اختلافات مذهبی بین مسلمانان و مسیحیان و نیز بین شیعه و سنی و زمینه‌های سیاسی از جمله: شکل‌گیری احزاب سیاسی در سایه حاکمیت نظام طایفه‌گری.

۳. فضای سیاسی حاکم

عواملی که فضای سیاسی مناسبی را برای شکل‌گیری یک جنبش جدید در میان شیعیان پدید آورد، عبارت بودند از: وجود مردم مظلوم، احساس یأس و ناامیدی از بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی، مهاجرت شیعیان از روستاهای جنوب لبنان به شهرها به دلیل حمله‌های اسرائیل، دخالت استعمارگران در امور داخلی لبنان، وضعیت بد اقتصادی آوارگان، مهاجرت علمای نجف به لبنان، فقدان دولت مقتدر، اختلافات مذهبی، وجود امتیازات و قوانین طایفه‌ای، وجود احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف سیاسی و در نهایت، حضور مستقیم و غیر مستقیم کشورهای غربی که به نوعی منافع خویش را در این کشور دنبال می‌کردند.^۱

از طرفی، فضای باز سیاسی و فرهنگی لبنان و شکل‌گیری هسته‌های مقاومت توسط گروه‌های فلسطینی و حضور بسیاری از جوانان شیعه در آنها، به پدید آمدن این بستر کمک کرد. بعضی از عناصر و کادرهای حزب‌الله دوره‌های آموزش اولیه را در سازمان فتح و جنبش امل گذراندند و با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی، مسیر خود را از آنها جدا کرده و جذب هسته‌های اولیه حزب‌الله شدند. (میرباقری، ۱۳۸۲: ۵۰)

با ناپدید شدن امام موسی صدر و شکل‌گیری انقلاب اسلامی، اختلاف و کشمکش‌های شخصی و ایدئولوژیکی در جنبش امل پدید آمد و در نتیجه، این جنبش به دو گروه تقسیم شد: یک گروه لائیک به رهبری نبیه بری و یک گروه رادیکال دینی به نام «جنبش امل اسلامی» به رهبری حسین موسوی (ابوهشام) که بعداً جذب حزب‌الله گردید. (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۷۰ - ۵۷) حزب‌الله، با عنوان جهاد، پس از سال‌ها توانست در جامعه شیعیان لبنان هماهنگی اخلاقی و نظامی پدید آورد و برای تحقق اهداف خود در سراسر جامعه لبنان کسب مشروعیت کند.

علاوه بر زمینه‌های لازم، پدید آمدن جنبش اصول‌گرای دینی، مستلزم برخورداری از امکانات مادی ویژه بوده است. در واقع، جنبش‌ها با این امکانات تا حدودی توانسته‌اند خواست‌های جامعه را تأمین کنند و خود را با جامعه هماهنگ و همراه سازند. به طور کلی،

۱. برای مطالعه دربار نفوذ و دخالت کشورهای بیگانه از جمله عراق، سوریه، لیبی، مصر، شوروی، فرانسه و ... در امور داخلی لبنان، رک: عدوانی، ۱۳۵۷: ۳۲ - ۱۳.

امکانات اولیه و حیاتی جنبش از جمله شبکه ارتباطات، ساختار تشکیلاتی، نیروی انسانی، امکانات اقتصادی، شرایط سیاسی و پشتوانه فکری و اعتقادی نقش مؤثری در جلب افکار و اندیشه توده‌های مردم داشته و رهبری جنبش با برخورداری از این امکانات، به آسانی از خطامشی مسلحانه و جنگجویانه دینی پیروی کرده است.

۴. نبود حکومت کار آمد، مقتدر و مشروع

جنگ داخلی در سال‌های ۱۹۷۶ - ۱۹۷۵، این ایده را به اثبات رساند که حکومت لبنان تاکنون نتوانسته است خواسته‌های بسیاری از شهروندان خود را برآورده سازد. با این حال، از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۲، بسیاری از لبنانی‌ها رغبتی به سرنگونی حکومت خود نداشتند، بلکه خواستار بازسازی آن بودند. ولی از سال ۱۹۸۲ این تلقی به طور فزاینده پیش آمد که این حکومت، مستعد اصلاح نیست. ویژگی اصلی دولت در سال‌های ۱۹۸۳ - ۱۹۸۲ بیش از هر دوره دیگر فقدان خردورزی از جانب بسیاری از رهبران لبنان و وجود قدرت‌های خارجی بود که در آن زمان نفوذ زیادی در سیاست لبنان داشتند.

مسیحیان مارونی که از تفوق سیاسی برخوردار بودند، گوش شنوایی برای مطالبات موجه مربوط به اصلاحات سیاسی نداشتند. رئیس‌جمهور، امین جمیل و مشاورانش از تحولات اجتماعی و سیاسی جدی و حساسی که تا آن زمان به‌ویژه در جامعه شیعه رخ داده بود غفلت می‌ورزیدند. حکومت به جای اجرای برنامه اصلاح‌طلبانه شیعه، برنامه ارباب و سلطه را برگزید و بر این اساس، چهره‌هایی را که می‌شد با آنان گفتگو کرد بی‌اعتبار ساخت.

پس از انتخابات ریاست جمهوری نافرجام ۱۹۸۲ و تعمیق شکاف‌ها و جدایی‌ها، موضع شیعیان سخت‌تر شد. بنابراین، شیعیان به جای پذیرش اقتدار حکومتی ضعیف و حقیر، خود را از آن کنار کشیدند و به مقابله با آن پرداختند. در بیانیه حزب‌الله به ناعادلانه بودن حکومت مارونی‌ها که هم‌پیمان و دست‌نشانده صهیونیست‌ها و استعمارگران هستند اشاره شده است. (بی‌نا، ۱۳۷۸: ۴۰۰)

ب) عوامل اصلی

۱. پیروزی انقلاب اسلامی ایران

مهم‌ترین عامل تأسیس حزب‌الله که رهبران روحانی شیعه لبنان از آن الهام گرفته و آنان را به

فکر تشکیل حکومت اسلامی در این کشور انداخت، وقوع انقلاب اسلامی بود. پیروزی انقلاب اسلامی از دو جهت در شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی نقش اساسی داشت. از یک‌سو موجب اعتماد به نفس مسلمانان در مبارزه با استعمار خارجی و استبداد داخلی شد و از سوی دیگر، کمکی همه‌جانبه به جنبش‌های رهایی‌بخش را در صدر برنامه‌های سیاست خارجی خود قرار داد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امید رهایی از ظلم و ستم را در دل مسلمانان جهان به‌ویژه شیعیان زنده کرد. بسیاری از مسلمانان از انقلاب اسلامی در زندگی سیاسی - اجتماعی خود تأثیر و الهام گرفتند. این تأثیرپذیری در میان اندیشمندان مسلمان نیز مشهود بود. بسیاری از علما و اندیشمندان شیعه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در مشی و روش گذشته خود تجدید نظر کرده فعالیت مبارزاتی خود را آغاز نمودند. از جمله این افراد آیت‌الله کورانی از شخصیت‌های علمی معتبر جهان تشیع است که با الهام از انقلاب اسلامی در رویکرد پیشین خود تجدید نظر کرده، منشأ حرکت بسیار مهمی در لبنان گردید و کتابی مهمی را نیز در این باره به رشته تحریر درآورده است. (الکورانی، ۱۴۰۶)

انقلاب اسلامی به مسلمانان آموخت که پیروزی و غلبه بر استکبار تنها از طریق ایمان به خدا و شهادت‌طلبی امکان‌پذیر خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران مبارزه با استکبار جهانی را از همان ابتدا در صدر سیاست خارجی خود قرار داد و به دنبال آن بود که این مبارزه را در یک هیئت به نام «اتحادیه شیعی» ترویج و نهادینه کند.

هرچند انقلاب اسلامی خواستار وحدت همه مسلمانان جهان برای حمایت از مستضعفان و مبارزه با مستکبران بود، اما در عمل به علت برخوردهای شدیدی که بین سیاست خارجی ایران با کشورهای عرب ایجاد شد، جهت‌گیری آرمان‌های انقلاب اسلامی به سمت استقرار اسلام شیعی در جهان اسلام پیش رفت. (فرانسواتول، ۱۳۸۲: ۵۹ و ۶۰)

به همین دلیل تهران در نیمه اول خرداد ۱۳۶۱ (۱۹۸۱) که مصادف با نیمه شعبان و به نام «روز مستضعفان جهان» نامگذاری شده بود، میزبان کنفرانس نهضت‌های آزادی‌بخش بود. در این کنفرانس، تعدادی از شخصیت‌ها و نیروهای اسلام‌گرای لبنانی از جمله سید محمد فضل‌الله، شیخ راغب حرب و صبحی طفیلی نیز حضور داشتند. هم‌زمان با برگزاری این کنفرانس، اسرائیل به لبنان حمله کرد و در حال پیشرفت به مناطق جنوبی لبنان بود. در این

زمان، نمایندگان اسلام‌گرای لبنانی از ایران درخواست کمک کردند و ایران نیز با اعزام هیئتی سیاسی به سوریه راه‌های چگونگی کمک‌های ایران را بررسی کردند و بدین ترتیب ایران به درخواست آنان پاسخ مثبت داد و عملیات امدادسانی خود را در قالب‌های مختلف آغاز کرد. (فضل‌الله، ۱۴۱۴: ۱۲ و ۱۳)

بی‌شک رخداد انقلاب اسلامی در ایران منشأ بسیاری از جریان‌ات اصول‌گرا، از جمله حزب‌الله بود و بارقه امید را در آنها زنده کرد. جرقه‌های اولیه تأسیس حزب‌الله ناشی از تفکر و ایدئولوژی جهان‌شمول حضرت امام خمینی علیه‌السلام بود که در میان شیعیان لبنان به بار نشست. سید عباس موسوی رهبر سابق حزب‌الله در این باره می‌گوید:

پیروزی انقلاب اسلامی ایران اعتماد به نفس را به مسلمانان بازگرداند و آنها را از میزان قدرت و توانایی که در اسلام و اندیشه‌های اسلامی نهضت است آگاه ساخت. مقاومت اسلامی در لبنان ملهم از انقلاب اسلامی شکل گرفت. (امرائی، ۱۳۸۳: ۲۳۸)

حزب‌الله به عنوان یک چتر سازمانی در سال ۱۹۸۲ و ۱۹۸۳ م در نتیجه گردهمایی چندین گروه تحت رهبری فارغ‌التحصیلان حوزوی نجف و قم ظهور کرد. بسیاری از این علما نیز در قم تحصیل کرده بودند و با روحانیان مبارز ایرانی روابط نزدیکی داشتند. از جمله وابستگان به حزب‌الله، امل اسلامی تحت رهبری حسین موسوی بود که حرفه معلمی داشت. (همان: ۲۳۹)

ایدئولوژی حزب‌الله از انقلاب اسلامی ایران الگو گرفته است و بر اتحاد جدایی‌ناپذیر میان رهبری مذهبی و سیاسی تأکید دارد. با توجه به وابستگی حزب‌الله به ایران، این گروه تحت تأثیر حرکت‌های سیاسی ایران قرار می‌گیرد. اثر فکری مهم دیگر انقلاب اسلامی، طرح نظریه «ولایت فقیه» به مثابه بدیلی حکومتی برای اوضاع فعلی لبنان است که هوادارانی هم یافته است. آمارهای موجود بیانگر در خور تأمل بودن تعداد افرادی است که برای تحقق این نظریه مبارزه می‌کنند. (همان: ۲۳۹ و ۲۴۰)

سؤال مهم این است که با وجود فاصله زیاد لبنان از جمهوری اسلامی ایران، چگونه این کشور توانایی دریافت و تقویت پیام‌های انقلاب ایران را در هر مناسبت پیدا کرده و مکان تولد اصول‌گرایی شیعه شده است؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت که جنگ داخلی لبنان، تأثیر انقلاب اسلامی ایران را به مراتب افزایش داد، همچنین فروپاشی دولت مرکزی و خشونت‌ها که حاصل این فروپاشی بود، اثر فراوانی بر جامعه شیعه داشت و باعث در هم ریختگی و ناهمگونی‌های شدید اجتماعی و اقتصادی شد. همچنین رنج و یأس در میان شیعیان لبنان آمادگی آنها را برای اثرپذیری و اجابت شعارها و پیام‌های ایران افزایش می‌داد. (میرباقری، ۱۳۸۲)

نظریه‌های دکتر «ایان زیسر» پژوهشگر مرکز مطالعات خاورمیانه‌ای و آفریقایی رژیم صهیونیستی که در مقاله‌ای با عنوان «حزب‌الله بر سر دو راهی» منتشر شده، حاکی از آن است که پیدایش حزب‌الله را باید در سایه دو رویداد مهم و تقارن زمانی آنها دید. نخست انقلاب اسلامی ایران بود که به منبع الهام و الگوی رهبران شیعه لبنان تبدیل شد. این در حالی بود که رهبران جدید ایران اهتمام بسیاری نسبت به شیعیان لبنان نشان می‌دادند. از این رو، با کمک‌های مالی، سیاسی و نظامی، حزب‌الله را تأمین می‌کردند. از جمله این کمک‌ها اعزام هزار و پانصد نفر از اعضای سپاه پاسداران به منطقه بقاع و ارسال تسلیحات نظامی و همچنین ده‌ها میلیون دلار کمک‌های اقتصادی بود که هر سال از سوی ایران به لبنان سرازیر می‌شد. (زیسر، ۱۹۹۷؛ میرباقری، ۱۳۸۲: ۵۳)

رینو جیرارد، ضمن اعتراف به تأثیر جمهوری اسلامی در تأسیس و ماهیت شیعی حزب‌الله و نقش رجال دینی شیعی در آن، حضور فعال ۲۰۰۰ نفر از پرسنل سپاه را در آموزش نیروهای حزب‌الله مؤثر دانسته است. (جیرارد، ۲۰۰۷: ۱۴۴) مارتین کرامر در جای دیگری از کتاب خود نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در انتقال مفاهیم انقلابی به حزب‌الله را پررنگ اعلام کرده است.

شهید سید عباس موسوی، از بنیانگذاران حزب‌الله، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را در انتقال آموزه‌های اسلامی از جمله شهادت طلبی، عملیات استشهادی، نماز شب و ... به رزمندگان حزب‌الله مؤثر و موفق ارزیابی کرده است. (میرباقری، ۱۳۸۲) وی، ظهور حزب‌الله در این سرزمین را مظهر انقلاب اسلامی ایران دانسته است. او از انقلاب اسلامی و بنیانگذار آن سخت دفاع کرد و خود را در وجود امام خمینی علیه السلام ذوب نمود و اظهار داشت:

امام معنی زندگی در وجودمان گردید. او یار و مونس ما در همه سفرها و غربت‌هایمان بود. خیمه‌ای که در زیر سایه اش پناه می‌گرفتیم و بدین گونه، احساس آرامش می‌کردیم. (گلی زواره‌ای قمشه‌ای، ۱۳۸۳: ۱۴۹)

شهید موسوی در مورد ایمان و توکل به خداوند می‌گوید:

زمانی که به سپاه پاسداران پیوستم و با برادران در نخستین دوره آموزشی در بقاع همنشین شدم، احساس کردم که از فواید زیادی بهره‌مند شده و واقعیت اسلام اصیل را درک کرده‌ام. (میرباقری، ۱۳۸۲: ۵۴)

حمایت جمهوری اسلامی از لبنان و حزب‌الله در دوره‌های بعد مانند جنگ ۳۳ روزه نیز ادامه یافت و این مسئله در سخنان رهبران از جمله دبیرکل حزب‌الله، سید حسن نصرالله انعکاس یافته است. وی در مصاحبه تلویزیونی در اولین سالگرد پیروزی در این جنگ از کمک‌های جمهوری اسلامی، رهبری، دولت و ملت ایران صمیمانه تشکر و عامل پیوند نزدیک حزب‌الله و ایران را محبت الهی معرفی کرد. (روزنامه ایران، مورخ ۸۶/۵/۲۲)

رهبران حزب‌الله بارها پایبندی خود به ولایت فقیه به طور عام و ولایت و رهبری امام خمینی رهبر و آیت الله خامنه‌ای را به صورت خاص اعلام داشته‌اند. (قاسم، ۱۳۸۳: ۸۰ و ۸۱)

یکی از پژوهشگران مرکز خاورمیانه و مدرس علوم سیاسی بیروت در این باره می‌گوید:

عامل اصلی که ایران را به حزب‌الله پیوند می‌زند، اصل ولایت فقیه است، یعنی در واقع حزب‌الله بالاترین مقام رهبری ایران را به رسمیت می‌شناسد. حزب‌الله در مسائل استراتژیک خود از ولی فقیه پیروی می‌کند. به عنوان نمونه در سال ۱۹۹۲ مسئولان حزب‌الله در مسئله شرکت در انتخابات برای حکمیت به رهبری ایران مراجعه نمودند و همچنین در باره به رسمیت شناختن اسرائیل از خطوط کلی ترسیمی توسط ایشان الهام گرفتند. (غریب، ۱۳۸۶: ۴۸)

حزب‌الله در بیانیه‌اش انقلاب اسلامی ایران را به عنوان الگو و پیشگام خود معرفی کرده است و خود را متعهد به پیروی از فرامین رهبر آن امام خمینی به عنوان ولی امر مسلمین کرده است. (بی‌نا، ۱۳۷۸: ۳۹۰) آثار الگوپذیری حزب‌الله از انقلاب اسلامی ایران در نامه سرگشاده حزب‌الله که به عنوان منشور و اساسنامه آن حزب قلمداد شده به روشنی مشهود

است. نامه سرگشاده با تأسی از ایده‌ها و مواد قانون اساسی ایران همچون «دولت اسلامی»، «امت اسلام» یا «مستضعفین زمین» و ... تدوین یافته است. (غریب، ۱۳۸۶: ۴۸)

بسیاری از صاحب‌نظران سیاسی معتقدند که پیروزی انقلاب اسلامی ایران یکی از اساسی‌ترین عوامل ایجاد حزب‌الله در لبنان بوده است. علاوه بر این، حمایت‌های مادی و معنوی ایران از حزب‌الله، عامل اساسی رشد و گسترش حزب‌الله در مقابل رقبای داخلی و خارجی‌اش به شمار می‌آید. به طور کلی می‌توان تأثیر انقلاب اسلامی بر حزب‌الله را در سه بخش عمده خلاصه کرد:

ولایت فقیه: پیروزی و ادامه حیات حزب‌الله در صحنه سیاسی لبنان مرهون پذیرش ولایت فقیه و رهبری امام خمینی علیه السلام بود و رهبران حزب‌الله بارها به این مسئله اعتراف کرده‌اند.

محوریت روحانیت در عمل سیاسی: بیشتر روحانیان لبنان از علمای ایرانی از جمله امام خمینی متأثر بودند. آنان با الهام از انقلاب ایران دست به تشکیل حزب‌الله زدند که اکثریت اعضای آن روحانی بودند. حضور روحانیان در حزب‌الله منجر به نفوذ روز افزون این حزب در میان شیعیان لبنان شد و همین امر سبب موفقیت بیش از حد آن گردید.

نظام واژگانی و معنایی: همان‌گونه که بیان شد، در گفتمان و نظام معنایی حزب‌الله مسائل و ایده‌هایی وجود دارد که از ادبیات گفتاری انقلاب اسلامی و فرمایشات امام خمینی استفاده شده است. واژه‌هایی نظیر جهان اسلام، مستضعفان، مستکبران، آمریکا و شوروی به عنوان استکبار جهانی و اسرائیل غاصب به عنوان غده سرطانی و ... که همگی متأثر از فرهنگ انقلاب اسلامی است.

۲. شخصیت‌های مذهبی و مراکز دینی

عامل مهم دیگر در ظهور حزب‌الله، رهبران و شخصیت‌هایی چون امام موسی صدر، محمد مهدی شمس‌الدین، سید محمد حسین فضل‌الله، شهید سیدعباس موسوی، شهید شیخ راغب حرب، سید حسن نصرالله و ... بود که در صحنه لبنان و همچنین در پدید آمدن مقاومت اسلامی و بسیج شیعیان نقش مهمی داشتند.

ریشه‌های فعالیت و حضور شیعیان در صحنه لبنان به آغاز دهه شصت باز می‌گردد؛ زمانی که

برخی از علمای حوزه علمیه نجف اشرف به لبنان باز می‌گردند. در رأس این گروه از فقها امام موسی صدر بود که با ورود خود به لبنان، زمینه را برای تغییر و تحولات گسترده در جامعه شیعیان لبنان فراهم ساخت. وی شاگرد حرکت نوین مذهب تشیع به رهبری امام خمینی ره و فارغ‌التحصیل حوزه‌های علمیه نجف و قم بود و بلافاصله پس از ورود به لبنان به ترویج این عقاید پرداخت.

امام موسی صدر با نفوذ موفقیت‌آمیزی که در میان شیعیان یافت، مجلس اعلای شیعیان را در سال ۱۹۶۷ و جنبش محرومان (گردان‌های مقاومت لبنان) را در سال ۱۹۷۴ تأسیس کرد و با سخنرانی‌ها و فعالیت‌های خود، تحول خاصی در جامعه شیعه لبنان پدید آورد که پس از ناپدید شدن وی، شخصیت‌های دیگری چون شهید سیدعباس موسوی و شهید راغب حرب، با الهام از رهنمودهای امام خمینی ره، این تحولات را ادامه دادند. نقش مساجد و علمای دیگر به ویژه سیدمحمدحسین فضل‌الله در ترویج افکار و اندیشه‌های دینی - سیاسی و تربیت روحانیان جوان در حمایت از حزب‌الله بسیار مؤثر بوده است. (قاسم، ۱۳۸۳: ۲۷ - ۱۷)

ج) عامل شتاب‌زا

مردم لبنان از وضعیت موجود آن کشور که دچار غرب‌گرایی و قوانین طائفه‌گری بود و از مدت‌ها قبل توسط فرانسه بر این کشور حاکم شده بود و موجب رواج بی‌عدالتی شدید در جامعه شده بود بسیار رنج می‌بردند. وقوع انقلاب اسلامی موجب بیداری مردم مسلمان شد و این امید و اعتماد را در آنان به وجود آورد که می‌توان در جهت تحولات سیاسی - اجتماعی حرکت کرد و گام اساسی در این راستا برداشت. گرچه این ایده جدید در افکار علما و نخبگان شیعه از زمان پیروزی انقلاب اسلامی به وجود آمده بود اما عملیاتی کردن آن و انسجام بخشیدن میان تمامی طوایف شیعی که مدت‌ها در اثر دخالت‌های بیگانگان دچار اختلاف و پراکندگی شده بودند بسی دشوار بود. در این اثنا حادثه‌ای جدید و بی‌بدیل به وقوع پیوست که روند تحولات سیاسی - اجتماعی این کشور را سرعت بخشید و موجب ظهور گروهی جدید به نام حزب‌الله گردید. در حقیقت هجوم‌های پی‌درپی اسرائیل و اشغال بخش اعظم خاک لبنان را می‌توان عامل شتاب‌زای تأسیس حزب‌الله و بروز تحولات جدید در منطقه خاورمیانه دانست.

حمله سال ۱۹۷۸ (عملیات لیتانی) منجر به مهاجرت هزاران نفر از شیعیان به حومه جنوبی بیروت شد. همچنین در ششم ژوئن ۱۹۸۲ (۱۳۶۱/۳/۱۶) ارتش اسرائیل تهاجم گسترده و همه جانبه‌ای را از زمین، هوا و دریا به لبنان آغاز کرد و بدون مقاومت قابل توجهی پایتخت این کشور را به محاصره درآورد. در این حملات ابزار جنگی مورد استفاده اسرائیل بی‌نظیر بود. یکی از تحلیل‌گران آمریکایی در توصیف این جنگ که طی آن یک دولت با ماشین جنگی عظیم خود گروهی را که فاقد دولت بوده و تنها از امکانات جنگ‌های چریکی برخوردار است، مورد تهاجم قرار داده، می‌گوید: «مثل اینست که ارتش آلمان هیتلری، به یک قبیله سرخپوست حمله کند.» (رایت، ۱۳۷۹: ۵۵)

دولت اسرائیل با به‌کارگیری حجم وسیعی از ابزار و ادوات جنگی مدرن نظامی، حملات خود را به لبنان آغاز کرد. این رژیم به ظاهر هدف حمله خود به لبنان را اخراج رزمندگان فلسطینی از لبنان اعلام کرد اما در حقیقت هدف اصلی اسرائیل در این تجاوز نظامی، تشکیل دولت علاقمند به صلح یا دست‌کم علاقمند به همزیستی مسالمت‌آمیز با اسرائیل در این کشور بود. (شیفر، ۱۳۶۸: ۳۱۸) در حقیقت، اسرائیل ایجاد «دیوار مطمئن» را در سر می‌پروراند تا در سایه آن به زعم خود لبنان را به سوی برقراری روابط حسنه سوق دهد و به اشغال‌گری به شیوه‌ای نوین ادامه دهد. (حیدر و موسوی، ۱۳۸۱: ۹)

اشغال بسیاری از مناطق شیعه‌نشین توسط اسرائیل، کشتار و جنایات سربازان اسرائیلی و شبه‌نظامیان مارونی، حمایت دولت‌های آمریکا و فرانسه از اسرائیل با اعزام نیروهایشان به لبنان، وضعیتی را به وجود آورده بود که شیعیان خود را در معرض تهدید و نیز قربانی این شرایط می‌دیدند. با افزایش فشارهای همه‌جانبه بر جامعه شیعیان که در معرض فروپاشی قرار گرفته بودند، گروهی از روحانیان و جوانان پرشور شیعه از جنبش امل جدا شده و دست به ایجاد هسته‌های مقاومت زدند. مقاومتی که رژیم اشغال‌گر را به زانو درآورد و سبب اقرار آنان به شکست خود در لبنان شد. یکی از تحلیل‌گران، درس ارزشمندی را که از آخرین جنگ اعراب و اسرائیل به دست آورده و تعریف جدیدی از شکست و پیروزی را این‌گونه ارائه می‌دهد: «مفهوم پیروزی کهنه شده و باید از نو ساخته شود؛ به‌گونه‌ای که به صورت یک مسئله صرف سیاسی درآمده و به تحقق هدف تعیین شده بستگی داشته باشد.» (رایت، ۱۳۷۹: ۵۵ - ۵۴)

حتی اگر این تعریف را هم نپذیریم، براساس مفهوم سابق و رایج آن نیز بسیاری از تحلیل‌گران و دولتمردان رژیم اشغال‌گر به شکست خود در جنگ با لبنان اعتراف کرده‌اند. «ایهود باراک» نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی می‌گوید:

ورود ما به لبنان موجب تأسیس حزب‌الله و رشد قدرت و توان آن شد که با موشک می‌تواند مناطق ما را هدف قرار دهد. (میرباقری، ۱۳۸۲: ۲۵)

همچنین «شمعون شاپیرا» مشاور امنیتی باراک و کارشناس اول در امور حزب‌الله و ایران نیز می‌گوید:

هجوم اسرائیل به لبنان سرعت ارتباط اجتماعی ایران و شیعیان لبنان را افزایش داد و ایران ضعف و سقوط حکومت لبنان را غنیمت شمرد و با استفاده از شور انقلابی، وضعیت جدیدی را به وجود آورد.

وی می‌افزاید:

اشتباه اول اسرائیل ورود به خاک لبنان و اشتباه بزرگتر آن ماندن در کمربند امنیتی ۱۹۸۵ و اشغال قسمت عمده‌ای از خاک لبنان بود. این اشغالگری باعث به وجود آمدن پدیده جدیدی به نام حزب‌الله شد که به مراتب سخت‌تر از سازمان‌های فلسطینی مبارزه می‌کرد. (همان: ۵۴ و ۵۵)

این شخصیت‌ها اعتراف می‌کنند که حملات گسترده و همه‌جانبه اسرائیل به لبنان نه تنها مشکلی را حل نکرد بلکه حضور خشونت‌آمیز آنان سبب ظهور نیروی ارزشی و ایدئولوژیک جدیدی شد که به مراتب برای اسرائیل خطرناک‌تر است.

حمله اسرائیل به لبنان در ژوئن ۱۹۸۲ و اشغال جنوب این کشور که به گفته «شیلا راین» با هماهنگی و رضایت و پشتیبانی آمریکای صورت گرفت. (راین، ۱۳۷۹: ۲۱ - ۱) بی‌تردید در بسیج سیاسی و سازماندهی نظامی جمعیت شیعیان اثر زیادی داشته است. گرچه بعضی از شیعیان از تصمیم اسرائیل مبنی بر خروج سازمان آزادی‌بخش فلسطین از لبنان استقبال کردند، اما وقتی دریافتند که اسرائیل جنوب لبنان را در اشغال خود نگه خواهد داشت، آسودگی خاطرشان خیلی زود به نارضایتی و تمایلات جنگی تبدیل شد. شیعیان ناراضی به

کمک واحدهایی از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران که بنا به درخواست آنان و با موافقت‌نامه نظامی ایران و سوریه وارد خاک لبنان شدند واحدهای اولیه حزب را تشکیل و سازماندهی کردند.

مقامات اسرائیلی معتقدند اگرچه حمله اسرائیل به لبنان موجب خروج نیروهای فلسطینی از لبنان شد اما به جای آن نیرویی به مراتب خطرناک‌تر شکل گرفت. ژنرال «اور» از مقامات بلندپایه نظامی اسرائیل در این باره گفت: «خطرها وجود دارند و واقعیت دارند. جناح افراطی و رادیکال شیعه دارد می‌آید و ما تا مدت‌ها در شمال اسرائیل با آن درگیر خواهیم بود». اسحاق رابین، وزیر دفاع وقت اسرائیل نیز در این باره گفته است:

حمله نظامی اسرائیل باعث گردید تا غول شیعه از بطری خارج شود ... من معتقدم که از بین تمام فاجعه‌ها، این فاجعه خطرناک‌ترین می‌باشد زیرا جنگ با شیعیان، نیروهای آنان را آزاد ساخته و وضع بدتر شده است. ... در بیست سال گذشته، هیچ‌گاه یک مبارز فلسطینی خود را تبدیل به یک بمب‌گذار نمی‌کرد.

به هر حال هر روز توان نظامی حزب‌الله نوظهور بیشتر شد. به طوری که «تیمور گوکسل» سخنگوی پیشین نیروهای سازمان ملل (یونیسف) در لبنان و استاد دانشگاه آمریکایی بیروت درباره دستاورد نظامی اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه می‌گوید:

مهم‌ترین دستاورد آنها این بود که با این ضربه از خواب برخاستند. متوجه شدند که واقعاً ارتش اسرائیل نمی‌جنگد. ... ارتشی که بهترین و مجهزترین ارتش‌های دنیا است نتوانست کاری از پیش ببرد. (گوکسل، ۱۳۸۶: ۴۴)

به همین دلیل، وی «تحول و پیشرفت نظامی آنها [حزب‌الله] را خیره‌کننده» ارزیابی می‌کند. (همان: ۴۷) به هر حال نویسنده آمریکایی «کلیورد ا. رایت» با اشاره به توان برتر نظامی رژیم صهیونیستی نکته‌ای را به درستی اشاره کرده است:

بی‌تردید اسرائیل، به یک نیروی نظامی برتر مطلق نه تنها در خاورمیانه بلکه در منطقه استراتژیک وسیع‌تری که شامل جنوب منطقه پیمان ناتو و آفریقای شمالی و میانی به طور کامل و غرب آسیا می‌باشد، تبدیل گردیده، و این نیروی نظامی، بدون هیچ مانع و ترحمی، مورد استفاده قرار خواهد گرفت. اما اسرائیل

با توجه به تجارب خود در باتلاق، به این هشدار «کلاوزفیتز» پی برده که «هرچند انسان ممکن است دشمن را به کلی منهدم سازد، اما باید تسلیم این واقعیت گردد که هر گامی به جلو، به معنی تضعیف و از دست دادن برتری خواهد بود.» (رایت، ۱۳۷۹: ۷۹)

بسیاری از دولتمردان اسرائیل به این نتیجه رسیدند که مداخله نظامی در لبنان معادل خطای استراتژیک بود و پیامدی جز ضرر نداشت. «یعقوب حسدائی» سرهنگ احتیاط نیروی پیاده ارتش اسرائیل آشکارا از شکست منطقی زور سخن به میان آورد که پایه اصلی اندیشه برپایی دولت اسرائیل به شمار می‌رود. وی اظهار می‌دارد:

فرهنگ زورمداری که سیاستمداران اسرائیل بدان تکیه کردند، موجب شد حق و زور در یک کفه ترازو قرار گیرد و کارایی محدود زور در فرایند بهره‌گیری استراتژیک مورد توجه قرار نگیرد. (حیدر و موسوی، ۱۳۸۱: ۴۹)

بنابراین، حمله اسرائیل به لبنان موجب تسریع در روند ظهور حزب‌الله به عنوان یک حرکت پیکارجو با دشمنان خارجی و همفکران آنان در جبهه داخلی شد؛ گرچه ریشه‌های این جریان را باید در انقلاب اسلامی ایران جستجو کرد.

نتیجه

از آنچه گفته شد این نتیجه به دست می‌آید که در مجموع سه دسته عوامل در شکل‌گیری حزب‌الله لبنان مؤثر بوده است.

دسته اول مجموعه عواملی است که نقش زمینه‌سازی را برای این جنبش فراهم آورده است. پدیده تجددگرایی، وجود نظام طایفه‌گرایی و اختلافات مذهبی، فضای حاکم سیاسی، نبود حکومت کارآمد و مشروع و همچنین نوسازی بیش از حد لبنان به‌ویژه در زمانی که این کشور تحت قیمومیت فرانسه قرار داشت، دست به دست هم داد و زمینه پیدایش این جنبش شیعی را فراهم کرد. استعمار فرانسه به منظور استیلا بخشیدن به حاکمیت مسیحی‌ها تلاش همه‌جانبه‌ای در این راستا به عمل آورد و سعی کرد تمامی امتیازات را به نفع آنها اختصاص دهد. بنابراین، دست به نوسازی همه‌جانبه زد. این امر زمینه را برای عدالت‌خواهی شیعه در

فضای موجود در برابر احزاب لیبرالیستی که بیشتر مسیحی بودند فراهم ساخت. دسته دوم که بیشتر نقش عامل شتاب‌زا را داشت حمله اسرائیل به لبنان بود که نفرت و خشم شیعیان لبنان را که از مدت‌ها پیش نسبت به رژیم صهیونیستی به دلیل اشغال فلسطین و ظلم و جنایت آنها به مسلمانان در منطقه در دل داشتند را برانگیخت و موجب اتحاد، انسجام و سازماندهی بیش از پیش شیعیان در لبنان شد. دسته سوم از عوامل که به طور عمده، جنبه ایدئولوژیک و فرهنگی داشت، حضور علما و شخصیت‌های علمی - فرهنگی در لبنان بود که با فعالیت‌های روشنگرانه خود موجب خودآگاهی شیعیان نسبت به جایگاه شیعه و اوضاع لبنان و منطقه شدند. این افراد با تأسیس مراکز علمی - تربیتی و مراکز خیریه و حضور در اماکن مذهبی و فرهنگی موجب هویت‌بخشی به شیعیان شدند. عامل دیگر نیز پیروزی انقلاب اسلامی ایران بود که موجب بازگشت اعتماد به نفس از دست رفته شیعیان و مسلمانان به طور عام شد. انقلاب اسلامی ایران به دستور حضرت امام و به خواست بزرگان شیعه لبنان از همان ابتدا حمایت همه‌جانبه خود را از شیعیان لبنان به عمل آورد. به نظر می‌رسد از مجموع عوامل یاد شده، انقلاب اسلامی ایران مهم‌ترین عاملی است که باعث شکل‌گیری این حزب در لبنان شده است.

منابع و مأخذ

- اسپوزیتو، جان ال، ۱۳۸۲، *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز).
- اسداللهی، مسعود، ۱۳۷۹، *از مقاومت تا پیروزی (تاریخچه حزب‌الله لبنان)*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه‌سازان نور.
- امرائی، حمزه، ۱۳۸۳، *انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ اول.
- بزی، محمد حسین، ۱۳۷۸، *زبور مقاومت، حزب‌الله در کلام سید حسن نصرالله*، ترجمه مصطفی‌اللهیاری، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چ دوم.

- بی‌نا، ۱۳۷۹، *دائرة المعارف‌های جهان*، معاونت پژوهشی و آموزشی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی.
- بی‌نا، ۱۳۸۰، «سخنرانی دبیر کل حزب الله لبنان»، *مجله مطالعات فلسطین*، ش ۷، بهار ۸۰.
- تول، فرانسوا، ۱۳۸۲، *ژئوپولیتیک شیعه*، ترجمه کتابیون باصر، تهران، ویستار.
- جیرارد، رینو، ۲۰۰۷، *حرب اسرائیل الضائعه ضد حزب الله*، ترجمه وسام الامین، بیروت، دارالخیال للطباعة و النشر و التوزیع، الطبعة الاولى.
- چمران، مصطفی، ۱۳۶۲، *لبنان*، تهران، بنیاد شهید چمران.
- حجازی، حامد، ۱۳۸۵، *یک لبنان، یک اسرائیل ادعا، بررسی جنگ اسرائیل علیه لبنان و پیامدهای آن*، قم، مرکز علمی فرهنگی بصیرت.
- حیدر، محمود و سید حسین موسوی، ۱۳۸۱، *بررسی تجاوزات اسرائیل به لبنان*، ۲۰۰۱ - ۱۹۷۶ (فروپاشی دیوار مطمئن)، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاور میانه.
- درازدن، تیری، ۱۳۵۷، *صد میلیون عرب*، ترجمه حسین مهری، تهران، توس چ دوم.
- رایت، رابین، ۱۳۷۲، *شیعیان مبارزان در راه خدا*، ترجمه علی اندیشه، تهران، قومس.
- رایت، کلیورد، ۱۳۷۹، «ابزار جنگ اسرائیل در لبنان»، مندرج در کتاب: *حمله اسرائیل به لبنان*، ترجمه سید محمدرضا شمس دولت‌آبادی، تهران، چ اول.
- رابین، شیلا، ۱۳۷۹، «حمله اسرائیل به لبنان (زمینه‌های بحران)»، مندرج در کتاب: *حمله اسرائیل به لبنان*، ترجمه سید محمدرضا شمس دولت‌آبادی، تهران، وزارت امور خارجه، چ اول.
- زیسر، ایان، ۱۹۹۷، *حزب الله لبنان بر سر دو راهی*، مرکز انتشارات و البحوث.
- شیفر، شیمون، ۱۳۶۸، *توپ برفی «عملیات اسرائیل در لبنان»*، ترجمه محمود شمس، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چ اول.
- عدوانی، محسن، ۱۳۵۷، *نگاهی به تاریخ لبنان*، تهران، نشر آزادی.
- غریب، سعد، ۱۳۸۶، «حزب الله لبنان: مقاومت، آرمان و سیاست»، ترجمه ه سحابی، *مجله چشم انداز ایران*، ش ۴۵، شهریور و مهر ۸۶.
- فضل‌الله، حسن، ۱۹۹۴ م (۱۴۱۴ ق)، *الخيار الآخر*، بیروت، دارالهادی، الطبعة الاولى.

- قاسم، نعیم، ۱۳۸۳، *حزب‌الله لبنان خط مشی، گذشته و آینده آن*، ترجمه محمد مهدی شریعتمدار، تهران، اطلاعات.
- ال‌کورانی، علی، ۱۴۰۶، *طریقه حزب‌الله فی العمل الاسلامی*، الاولی، مکتب الاعلام الاسلامی.
- گلی زواره‌ای قمشه‌ای، غلامرضا، ۱۳۸۳، «شهید سیدعباس موسوی مبلغی مبارز و خستگی‌ناپذیر»، *مجله مبلغان*، ش ۶۳، بهمن و اسفند ۸۳.
- گوکسل، تیمور، ۱۳۸۶، «مقاومت لبنان؛ برخاستن ارتش اسرائیل از خواب»، *گفتگوی محمد عطائی، مجله چشم‌انداز ایران*، شهریور و مهر ۸۶، ش ۴۵.
- میرباقری، یزدان، ۱۳۸۲، *حماسه مقاومت اسلامی در جنوب لبنان*، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- نصرالله، سید حسن، «مصاحبه با تلویزیون جمهوری اسلامی ایران»، *روزنامه ایران*، مورخ ۸۶/۵/۲۲